

سه فیلمساز از تجربه اکران فیلم‌شان در گروه هنر و تجربه به «ایران» گفته‌اند

## گزیر ناگزیر

**سپیده شریعت‌رضوی** / تیرماه سال جاری بود که خبر آغاز دوره تازه فعالیت گروه سینمایی «هنر و تجربه» رسانه‌ای شد؛ مؤسسه‌ای که هشت سال پیش شکل گرفت اما در آخرین هفته سال ۱۴۰۰ با تصمیم محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی، رویکرد وزارت ارشاد در حمایت از فیلم‌های هنری و تجربی تغییر و وی اعلام کرد که «مرکز گسترش از این پس مدیریت، هماهنگی و نظارت بر فعالیت‌های این حوزه و همچنین، وظیفه حمایت و کمک به چرخه اکران فیلم‌های هنری و تجربی

را برعهده خواهد داشت.» هم‌اکنون فیلم‌های «هنر و تجربه» در ۲۰ سالن سینما در تهران و شهرستان از جمله پردیس های سینمایی هویزه، اطلس و ویلاژتوریست در شهر مشهد، مهدوی در شهر نیشابور، ساحل و سینتی سنتر در شهر اصفهان، بهمن در شهر سنج، عصر جدید در شهر گرگان، ستاره‌باران در شهر تبریز، مهر قدس در شهر همدان، گلستان در شهر شیراز، آزادی در شهر کرمانشاه، سینما سپهر در شهر ساری، تماشاخانه پارس کرمان در شهر کرمان و پردیس های سینمایی چارسو، ملت،



عمارتی در مه

### «عمارتی در مه» اثری معمایی است که غافلگیری دارد

■ **آقای سید میر** «عمارتی در مه» چندمین اثر سینمایی شما محسوب می‌شود و چه تفاوتی با دیگر آثارتان دارد؟

– بنده به‌دلیل تخصص در امور حقوقی به تهیه‌کنندگان و فیلمسازان در زمینه تنظیم و عقد قرارداد با بازیگران، عوامل و سرمایه‌گذاران در پروژه‌های متعدد مشاوره حقوقی می‌دهم و به لحاظ حجم کاری صرفاً فیلم «عمارتی در مه» بعد از همکاری و ساخت یک اثر تلویزیونی رقم خورد. ناگفته نماند که فضای داستان از ایده خلاق و نویی بهره برده است که می‌تواند رویکرد فردی افراد جامعه را که جزو نیازهای ضروری جامعه است، سامان بخشد. من نیز به همین دلیل تهیه‌کنندگی این اثر را برعهده گرفتم.

■ **این فیلم سینمایی اثری سایکودرام معرفی شده است. ساخت چنین فیلمی با چه چالش‌هایی روبه‌روست و اساساً چقدر در سینمای ایران مخاطب دارد؟**

– ساخت فیلم‌هایی بر پایه پزشکی بی شک احتیاج به تحقیق و کاوش دارد، باید از نگاه کارشناسان ذی‌صلاح مورد تأیید قرار بگیرد و هیچگونه وجه تمایزی نداشته باشد. متأسفانه به فیلم‌هایی در این سبک بسیار کم توجه و پرداخت شده است و کمبود این ژانر بسیار به چشم می‌آید. بر این اساس با توجه به دغدغه‌های فیلمساز، مشکلات تولید و رنج تهیه سرمایه و همچنین وفور داستان‌های کلیشه‌ای و تجاری بر خودم رسالتی دیدم که با خلق اثری نو از زوایای دیگر این درمان اثبات شده را معرفی و حمایت کنم. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که من ساخت اثری متفاوت و کاربردی را که هم بتواند به جامعه درمانی کمک کند و هم منجر به خوب شدن حال مردم بشود، رسالت دینی خود می‌دانم و با این هدف ساختن فیلم با هر اثر تأثیرگذاری

■ **باتوجه به اسامی بازیگران که تعداد آنها هم قابل توجه است، می‌توان دریافت که نقش‌آفرینان، افراد چهره یا به اصطلاح سینمایی نیستند. چه دلیل به سراغ بازیگران کمترشناخته شده رفتید؟**

– محوریت فیلم معمایی بود و از آنجا که بازیگران چهره با توجه به شناخت ذهنی مخاطب از آنها، باعث پیش‌داوری می‌شود، از بازیگرانی بهره بردیم که چهره نیستند. همچنین بازیگر ناشناخته می‌تواند به معمایی و ناشناخته بودن کاراثر کمک کند و بیننده بدون هیچگونه پیش‌زمینه ذهنی او را بپذیرد. ناگفته نماند که «عمارتی در مه» اثر هنری و نه شریعتی است یعنی به فروش فیلم فکر نشده است. از سوی دیگر یکی از اهداف این فیلم، معرفی بازیگران مستعد و توانمند به‌شاخه بازیگری بوده است که بتوانیم زمینه‌ساز استعدادیابی در این عرصه شویم.

■ **اگر بخواهید از مخاطب دعوت کنید «عمارتی در مه» را تماشا کند، می‌گویید به چه دلیل؟**

اگرچه در دل کار و هنگام اجرا مغایرت‌هایی به‌وجود آمد و حتی ممکن است مخاطب به این فکر کند که می‌شد پردازش بهتری روی این موضوع انجام داد اما در مجموع حس می‌کنم با توجه به شرایط مذکور و روش‌های



**فیلم سینمایی «عمارتی در مه» به نویسندگی و کارگردانی محمدعلی سلیمان‌تاش و تهیه‌کنندگی «سیدسجاد میرسید» که در گونه فیلم‌های سایکودرام یا فیلم‌های روانشناسانه ساخته شده، داستان مدیر یک آسایشگاه اعصاب و روان است که از پزشک جوانی، دعوت می‌کند روی نوع خاصی از بیماران روانی تحقیق کند. با حضور پزشک جوان در مجموعه، او متوجه حوادث غیرمعمول و پیچیده در بین بیماران و کارکنان آسایشگاه می‌شود. اردلان شجاع‌کاو، محمد حبیب‌اللهی، مازیان کلهر، سیده روزینا میرسید، محسن عباس‌پور، آبتین مفید، سبحان آسترکی، حامد موحد، متین صفرپور، ابوالفضل محمدی، محمدادریس جاویدان، مروه جاویدان، فاطمه یزدانی، مینبا خدامرادی، حمید بخشی، نوید ملک‌سعیدی، اکرم خسروی، آیدا موسوی، نیلوفر شیرازی و... از جمله بازیگرانی هستند که در فیلم سینمایی «عمارتی در مه» به ایفای نقش پرداختند.**

روان‌درمانی نو که در این فیلم روایت شده است، دارای جذابیت‌هایی برای متخصصان روان‌درمانی، مددچوها و دانشجویان است. همچنین این فیلم مناسب افرادی است که علاقه‌مند فیلم معمایی-هیجانی هستند و با توجه به اینکه اثر غافلگیری هم دارد، می‌تواند به جذابیت‌های فیلم کمک کند.

■ **مخاطب اصلی «عمارتی در مه» چه کسانی هستند و این اثر چه هدفی را دنبال می‌کند؟**

با توجه به کشتی‌که در فیلمنامه وجود داشت و پژوهشی که برای اثر انجام شد، لایه‌های پنهانی از این بیماری که شاید در موارد مشابه آن در این ژانر بدان کمتر پرداخت شده است، جلوه‌گر شد. ما به‌تصویر کشیده‌شود و بواسطه خلق معنایی متفاوت و به دور از کلیشه‌های رایج، روایتی نو داشته‌شود و فرآگیر شود. اگرچه سینما جزو اولویت‌های مردم نیست اما به‌دنبال این بودیم که هر مخاطبی را با هر شرایطی جذب کنیم و او را به سینما بکشانیم.

■ **در سینمای ایران حس می‌شد؟** – باید از گروه سینمایی «هنر و تجربه» تشکر کنم که از فیلم‌هایی با ایده‌ها و اندیشه‌نو حمایت می‌کند و زمینه‌ساز این شده است که با حمایت‌های مادی و معنوی و تجربه کردن شیوه‌های جدید به‌ویواتر شدن فضا و توسعه زبان سینما بیفزاید و انگیزه‌ای برای تهیه‌کنندگان و فیلمسازان شود.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

فوتبال، فیلم مستند «ملوانان تنها به دریا نمی‌روند» از ۱۸ آبان و «بی‌آبان» از اول آذرماه اکران شد. همچنین فیلم‌های سینمایی «اینان» از ۹ آذر و «حرف آخر» از ۱۶ آذر روی پرده سینماها رفتند و «عمارتی در مه» از ۲۳ آذر و «عینک» از ۳۰ آذرماه اکران خود را آغاز می‌کنند. اکران فیلم‌های «اینان»، «حرف آخر» و «عمارتی در مه» باعث شد به ترتیب به سراغ رهبر قنبری کارگردان، ابراهیم شفیعی کارگردان و سیدسجاد میرسید تهیه‌کننده برویم و گفت‌وگویی درباره آثارشان داشته باشیم.



اینان

### بازدارندگی در مقابل فیلم‌های تجاری مبتذل



**آقای قنبری ایده «اینان» برگرفته از یک داستان واقعی است؟**

– بله. من به‌دلیل اینکه هم‌زمان مستندساز نیز هستم، همیشه سوژه‌های سینمایی خود را در حین ساخت آثار مستندم پیدا می‌کنم کم‌اینکه پیش از ساخت این فیلم حدود چهار سال پیش در حال ساخت مستندی درباره خادمان فرّاش حرم امام رضا(ع) بودم که سوژه آن اثر روزی با یک ساعت قیمتی به سراغم آمد و ساعتی گرانبهارا به من نشان داد و گفت که یک خانم پس از خواندن نماز در حرم مطهر، ساعتش را جا گذاشته است. همین موضوع مرا بر آن داشت تا از او بپرسم آیا آن خانم جوان می‌تواند زندگی فقیرانه او را بهتر کند ولی در ذهنم کامل کردم. داستان ابتدایی این بود که یک جوان فرّاش فقیر عاشق ش‌ی قیمتی از دختر برج‌مانده است که می‌تواند زندگی فقیرانه او را بهتر کند ولی اگر بخواهد پیش برود نباید دزد باشد و در حرم امام رضا(ع) گناهی مرتکب شود. این داستانک بتدریج و طی یک سال در ذهنم کامل و تبدیل به فیلمنامه حاضر شد.

■ **دلیل نامگذاری فیلم‌تان به «اینان» چه بود؟**

من همیشه تلاش می‌کنم فیلم اجتماعی

بسازم و معنا نیز برابم معنی دیگری جز این ندارد که باید هر معنایی از روابط فی مابین انسان‌ها برآیند. در واقع معتقدم

■ **وضعیت اکران این فیلم در حال حاضر به چه صورت است؟**

من راضی به اکران نبودم اما تهیه‌کننده‌ام اصرار داشت که این اتفاق بیفتد و پیش رفت و اکران کرد. به‌دلیل شرایط اجتماعی فعلی امکان ندارد فیلم فروش خوبی داشته باشد و می‌دانم که نه تنها فیلم بنده که با بودجه کمی ساخته شده است بلکه

آثاری که با بودجه‌های بسیار کلان ساخته شده‌اند نیز روزهای خوبی را پشت سر نمی‌گذرانند و فروش خوبی ندارند.

■ **فکر می‌کنید «هنر و تجربه» به چه دلیل باید حفظ شود و بیش از پیش در اکران آثاری که شبیه سینمای بدنه نیستند، پیشرفت کند؟**

– وجود گروه هنر و تجربه واجب و ضروری است چرا که نوعی بازدارندگی در مقابل فیلم‌های تجاری مبتذل محسوب می‌شود و حتی موجبات مقابله با وادادگی سینمای ایران در مقابل سینمای بیگانگان را فراهم می‌کند.

آقای شفیعی به‌عنوان نویسنده و کارگردان

■ **«حرف آخر» بر ایمان بگویید که مشکلات و چالش‌های ساخت اثری مستقل آن هم در شرایط امروز سینمای ایران چیست؟**

سینمای مستقل، سینمای بی‌کس و مهجوری‌ست و هیچ پشت و پناهی ندارد. چالش‌های فیلمساز مستقل از زمانی که فیلمنامه را می‌نویسد و مطمئن است که اثرش به گونه‌ای نیست که ارگان دولتی یا سرمایه‌گذار مطرح به سراغ آن بیاید، آغاز می‌شود. یکی از مشکلات مهم این است که فیلمنامه باید تولیدی نوشته شود، به‌عنوان مثال دیالوگی که در خانه برقرار می‌شود باید به پارک برده شود تا هزینه نداشته باشد یا کمتر شود. همچنین و متأسفانه از سینمای مستقل در ایران حمایت نمی‌شود، البته در این زمینه شعار خوب داده می‌شود یعنی کسانی که مدعی حمایت از سینمای مستقل هستند همان افرادی هستند که حمایت نمی‌کنند. در ساخت «حرف آخر» حتی یک نفر هم به ما کمک نکرده و تماماً با تلاش و توانایی بچه‌های گروه ما رقم خورده است.

ناگفته نماند که فیلمساز مستقل خیالش از فردا راحت نیست چون پشتوانه ندارد، همه موارد را باید یک‌روز پیش برد و مشخص نیست چه اتفاقی برای اکران اثر رخ می‌دهد. فیلمسازی کار آسانی است اما ساخت اثر خوب بسیار سخت؛ فیلم اول ساختن از تولید فیلم خوب سخت‌تر و فیلم اول بدون بودجه زیاد و تنهایی ساختن از همه مواردی که عرض کردم، سخت‌تر است.

■ **ایده «حرف آخر» چگونه شکل گرفت و چه تفاوتی با دیگر آثار شما به لحاظ مضمون و ژانر دارد؟**

من یک زمانی به‌دلیل برخی اتفاقات به دادگاه زیاد رفت و آمد داشتم و به این نتیجه رسیدم برخی از قاضی‌ها با منم یا شاکلی بردفاری می‌کنند. از همان زمان جرقه‌ای در ذهنم زده شد که اگر قاضی یا مدعی خوب صحبت کند، می‌توانم توضیح دیگری بدهم و اتفاق بهتری را رقم بزنم. همانجا این ایده در ذهنم شکل گرفت که یک قاضی خوب و درست معرفی کنم.

■ **تجربه آن هم در این زمان راضی هستید، دلیل آن چیست؟**

من باید از شما بپرسم اگر راضی نباشیم چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ در حال حاضر فیلم خوب و بد وجود ندارد، بلکه پخش‌کننده است که فیلم را خوب یا بد می‌کند. اگر یک فیلم متوسط در اختیار پخش‌کننده خوب قرار بگیرد، اثر در تمام دنیا می‌چرخد، به جشنواره‌ها می‌رود و جایزه کسب می‌کند و بودجه‌ای که برای آن هزینه شده است، باز می‌گردد. نمی‌توانم بگویم که فیلم برای مخاطب هنر و تجربه ساخته شده است اما پخش‌کننده‌ها راضی به پخش اثر ما نشدند و آن را برای اکران در اختیار ما زمانی که به‌دنبال حمایت بودیم، فقط جواب سر بالا تحویل ما دادند. من با تاریخ شانزدهم آذرماه برای آغاز نمایش «حرف آخر» در سینماها موافق نبودم چراکه هم‌زمان با روز دانشجو، تب و تاب جام جهانی فوتبال، شب شهادت حضرت زهرا(س) و نزدیک به برگزاری جشنواره «سینما حقیقت» بود که همه این موارد باعث می‌شد فیلم کم‌شود اما مجبور بودم این اتفاق را رقم بزنم چراکه فیلم دو سال در نوبت اکران بود.

■ **می‌توان گفت هم‌شما به‌عنوان فیلمساز**

■ **و هم گروه «هنر و تجربه» برای اکران این اثر**

■ **جسارت به خرج دادید؟**

بله. اگرچه پس از جابه‌جایی‌هایی که برای این مؤسسه اتفاق افتاد، تعداد سالن‌های در اختیار «هنر و تجربه» و سانس‌های اختصاص داده شده به فیلم‌ها کم شده است اما باید از دوستان «هنر و تجربه» که